داکتر سیدخلیل الله هاشمیان
۲۰۱۷/۰۴/۲۴

دردماغ داکترصاحب کاظم غرور تراکم کرده

اگرمن درموقف داکترصاحب کاظم قرارمیداشتم، عوض دوام غرور، ازاشتباه وجَعل خود که آنرا"براکت سازی" خوانده، معذرت میخواستم – دوام غروربهیچ مسلمان، خصوصا که تحصیل کرده ونویسنده باشد، نمی سیلد. باساس مشاهدات من این غروربعدازآن دراطوار داکترصاحب کاظم نمودارگردیده که شهیدمحمدداودخان رئیس جمهورسابق، بسفارش شهیدسید عبدالاله، پوهندوی داکترسیدعبدالله کاظم را بطورغیرمستحق بحیث رئیس پوهنحی اقتصاد مقررکرد، درحالیکه پوهاندها درآن پوهنحی وجودداشتند، وبقرارتعامل درپوهنتون انتخاب رئیس در یک پوهنحی باساس انتخابات آزاد بداخل پوهنحی صورت میگرفت- این تذکر باین معنی نیست که داکتر صاحب کاظم لیاقت این تقرررانداشت، که داشت، اما رئیس جمهور قدامت مستحقین وتعامل رادرنظرنگرفت ، چونکه رهبر بود وقانون و انتخاب بدست خودش بود. بعدازآن داکتر صاحب کاظم بحیث یکی ازتئوریسینهای حزب (ملی غورحنگ) شناخته شد ودرجلسات حزب (ملی غورحنگ) نام شان درجملهٔ سایراعضای آن حزب دراخبار آنوقت نشرشده بود که منهم آنراخوانده بودم- من نمیگویم واین سخن من چنین تعبیر نشود که گویا شامل شدن درحزب (ملی غورخنک) یک اشتباه یا یک عمل غیرمشروع بود، بلکه درآنزمان یک تصمیم مطلوب وپسندیده بشمار میرفت ، وغروراکتر صاحب کاظم ازواقعات همان دوره پیدا شده وتاامروز دوام دارد، چنانچه نوشته های خودرا با روحیهٔ فرمان جمهوریت وقابل تطبیق بالای رعیت منتشرمیسازد- خوشبختانه دربین اکثر رعیت مهاجر درامریکا احکام، حتی روحیهٔ، حزب (ملی غورحنگ) مسلط نمیباشد وغروراکتر صاحب کاظم که جزء خصلت شان گردیده، خود ونوشته های خودرا درنظرخودش ماورای انسان واشتباه ناپذیرمی پندارد؛ معذرت داکترصاحب کاظم رادرمقابل یک اشتباه، ولو بسیارجزئی باشد، نمیتوان متوقع بود، ولی معذرتهای این قلم بحیث انسانیکه اشتباه جزء خلقت اوست، بتکراردرین پورتال نشرشده است. دین مبین اسلام دوری وپرهیز ازغرور را سفارش نموده، ودعا و التجای من اینست که الله (ج) هیچ مسلمان را آغشته به غرور نسازد.

داکترصاحب کاظم این حقیررا "شیخ فانی ومعذور" خوانده است - بلی من بسیارنزدیک بسن 90 سالگی رسیده ام، اما بمرحمت الله عزوجل حافظه ام هنور کارمیدهد، هرروز میخوانم ومینویسم، اگرکدام نام یا تاریخ رااشتباه کنم وتصحیح آنرا ملتفت شوم، باتشکر یامعذرت تلافی میکنم، و کارهای مربوط بزندگی روزمرهٔ خودرا بداخل وبیرون خانه، شخص خودم و بدون کمک اهل خانه اجرامیکنم - پس الحمدلله تاکنون شیخ فانی نشده ام - اما داکتر صاحب کاظم که پیرامون عوامل کبرسن و ضعف حافظه بحیث یک متخصص امراض عقلی موقف گرفته ودرزمینه مانند یک طبیب اظهار نظر نموده، نظروموقف شانرا واهی وغیرذیصلاح دانسته، ازبیخ وبنیاد رد وپیشنهاد میکنم درمسایل طبی همراه بانظرخود یک سند یا یک مرجع معتبر را هم ارائه کند، زیراباساس معلوماتیکه روزمره ازتلویزیون میشنوم، ضعف حافظه با کبرسن درموازات قرار نداشته، بلکه معلول علل دیگری هم بوده میتواند- بطور مثال، مرحوم فیض محمدکاتب قبل از وفات خود بسن 68 سالگی به ضعف حافظه مبتلا بوده، ثبوت ادعای ضعف حافظهٔ او دراسنادی دیده میشود که داکتر صاحب کاظم ازصفحات 36، 236 و 682 سراج التواریخ برون کشیده و آنها را بعجله بدون غور و تدقیق منتشرساخت. هرکدام این سه سند هم ازلحاظ نام اشخاص، وهم ازلحاظ تاریخ ومحل وقوع حادثه، ناقص وغلط بوده که این اشتباهات ازضعف حافظهٔ مرحوم کاتب نمایندگی میکند، درحالیکه اواین مسایل را شاید بسن 60 سالگی (8 سال قبل ازوفات خود) نوشته باشد- بنابران وظیفهٔ محقق وهرشخص دیگری که ازمحتویات جلد چهارم سراج التواریخ استفاده میکند اینست که دربارهٔ صحت وسقم این اسناد، قبل از نشرآنها غور وتدقیق نماید، نه آنکه آنهارا با طمطراق بحیث "تکملهٔ "اسنادی ارائه کند که مورخین ومحققیق بعدی اغلاط قبلی را درآثار شان تصحیح کرده اند - یک عبارت ازمقالهٔ

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

اخیرداکتر صاحب کاظم راکه ازآثار قدیمی وخصوصا ازآثار مرحوم فیض محمدکاتب بسیارکارگرفته، ذیلا عینا اقتباس میکنم تا هموطنان به طرز افادۀ این داکتر اقتصاد که اورا غرور درهمه رشته ها وخصوصا دررشتۀ تاریخ نیز "متبحر" ساخته، متوجه شوند وببینند داکتر صاحب با چه منطقی استفادۀ خود از اسناد غلط را موجه میداند:

"" فیض محمدکاتب یک محقق ومورخ نامدار کشور است که وقایع را طور مستند باذکرتاریخ بیان کرده وآثار خودرا حد اقل شش دهه قبل ازعلامه حبیبی ویا پروفیسورآدمک نوشته است، که ازین لحاظ گزارشات او را میتوان بیشتر مقرون بواقعیت دانست."" (نقل ازمقالۀ داکتر صاحب کاظم)

داکترصاحب کاظم درعبارت فوق امرمیکند که اگرمورخی صد سال قبل یک یا چند مطلب را نادرست وغلط ثبت کرده باشد، ومورخین ومحققین پنجاه سال بعد آن غلطی ها را ملتفت شده وتصحیح کرده باشند، گزارشات صدسال قبل و غلط همان مورخ قبلی بخاطری "بیشتر مقرون بواقعیت دانسته" شود که مطالب غلط را "" شش دهه قبل نوشته است""!!!

متاسفانه من با هموطنی مواجه میباشم که یک دانشمند است، اما غرور دورۀ اقتدار جمهوریت در دماغ وقلم او مانند سرب ذوب شده نقش بسته، به تصحیح غلط خود تن نمیدهد، بلکه برای قبول و دوام یک غلط ، فرمان میدهد، درحالیکه قلم من غیرازحق وحقیقت، پشت وپناهی ندارد، واگرملامتی به برادر یا فرزندم متوجه شود، ازحقیقت نمیگذرم .

اکنون شما را به تجربۀ دیگری از دورۀ جمهوریت آشنا میسازم: درهمان مدت سه ماه قبل ازکودتا که من بکابل رسیده بودم، دواستادپوهنحی (جناب محترم قیام الدین راعی ومرحوم پوهاندرحیم الهام) هرکدام بمن گفتند که غیرازداخل شدن درحزب(ملی غورحنگ) راه پیشرفت میسرنیست – یک همصنفم ازمردم اندراب (نامش یادم رفته) که دروزارت مالیه مدیرعمومی بود ودر بلاک متوازی با بلاک ما درمکروریان زندگی میکرد، دوبار ازجانب خود وبارسوم از جانب معاون رئیس جمهورعبدالالله ازمن دعوت کرد به حزب شامل شوم ومیخواست مرا دست گرفته نزد عبدالالله ببرد - ازهرکدام آنها معذرت خواستم که چون تازه بوطن آمده ام، میخواهم اوضاع را بیشتر مطالعه کنم وباز تصمیم بگیرم - یگانه دوست محترمم که بشمولیت درحزب نظرنداد، مرحوم پوهاند نسیم نگهت بود. تعامل سابق چنین بودکه هرافغانی که باسند دکتورا ازخارج بوطن برمیگشت ، پادشاه یا رئیس جمهور اورا میدید- یکباررئیس دفتر وعدۀ ملاقات بمن داد، اماروز بعد آنرافسخ کرد وگفت رئیس جمهور روندۀ کشورهای اسلامی است، دربازگشت شان با شما تماس میگیرم- اما دوستان پوهنحی میگفتند تازمانیکه درحزب(ملی غورحنگ) شامل نشوی، رئیس جمهور ترانمی بیند، وهمانطورهم شد. با احترام – سیدخلیل الله هاشمیان – 21 اپریل 2017

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ